قتل به‌خاطر سرقت گوشی تلفن همراه

هفت نفرکه در جریان سرقت گوشی تلفن‌همراه جوانی در شهرستان سراوان او را به قتل رسانده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، بیست و دوم تیر سال گذشته پسر ۲۹ساله در یکی از محله‌های شهرستان سراوان، استان سیستان و بلوچستان به قتل رسید. تحقیقات نشان می‌داد سارقان مسلح ناشناس او را با کلت کمری تهدید کرده و قصد سرقت گوشی تلفن‌همراه و پول‌های پسر جوان را داشتند که با مقاومت وی روبه‌رو شدند.

درادامه سارقان به او شلیک کرده و وی را به قتل رساندند. با گذشت حدود ۱۰ماه ازاین جنایت، دو نفرشان بازداشت شدند. در جریان تحقیقات، رد پنج نفراز همدستان آن دو نیز به دست آمد و این افراد نیز بازداشت شدند و به جرایمشان اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان در پلیس آگاهی سراوان برای کشف جرایم احتمالی آنها ادامه دارد.

جاده روستای محل حادثه

عقب‌گزیدگی و نبود امکانات در روستای پیشانی‌کنده جان پسرک ۶ ساله را گرفت

زندگی سخت، مرگ آسان

لیلا حسین‌زاده

حوادث

همین چهارشنبه هفته پیش بود که خالد مرد، آن هم با نیش عقرب... درست مثل دو دختر هفت و ۱۶ساله بشاگردی و پسربچه شش ساله اهل روستای تنکدف نوگین وگیشدان در هرمزگان که آنها هم با نیش عقرب مردند. برای عقرب چه فرقی می‌کند قربانی‌اش مثل خالد، اهل روستای پیشانی‌کنده جاسک باشد یا بشاگردی یا تنکدفی یا حتی سیستان و بلوچستانی وکرمانی. برایش چه اهمیتی دارد طعمه‌اش مثل خالد تازه اول زندگی‌اش باشد یا مثل مریم ۱۶ساله، آرزوی پرستار شدن را در دل بپروراند؟ نیشش را که بزند، راهش را می‌کشد و می‌رود. این وسط می‌ماند خانواده قربانیانی که باید درد نبود امکانات وکابوس از دست دادن عزیزشان را به جان بخرند. کابوسی که برای پدر و مادر خالد ترابی، درکمتر از یک روز تبدیل به واقعیت شد و حالا می‌خواهند مراسم هفتم پسرک‌شان را برگزارکنند.

اهالی روستاهای اطراف پیشانی‌کنده تا می‌فهمند خبرنگاریم و دنبال خانواده خالد می‌گردیم، انگارکه خونی تازه زیر رگ‌های‌شان می‌دود. حاضرند هرکاری انجام دهند تا بشویم زبان‌شان و دردهایشان را به‌گوش مسؤولان برسانیم. خانواده خالد در روستای دورافتاده پیشانی‌کنده زندگی می‌کنند، جایی‌که تماس تلفنی با آنجا به این آسانی‌ها نیست. خیلی از اهالی‌گوشی تلفن همراه و خط دارند، اما آنتن ندارند. باکمک چند دهیار و اهالی چند روستای دیگر، بالاخره به خانواده خالد وصل می‌شویم، اما اسماعیل پیشانی‌کنده، پسرخاله خالد به ما می‌گوید آنها بی‌دل و دماغ‌تر از این هستند که از مرگ پسرکوچک‌شان صحبت کنند:« طاقت ندارند اسم خالد را بشنوند... خودم خالد را بردم بیمارستان و همان‌جا تمام کرد.»

او ادامه می‌دهد:«سه‌شنبه هفته پیش بودکه این حادثه اتفاق افتاد.آن روز هوا بارانی بود و خالد داشت بازی می‌کرد. بعد از بازی به خانه برگشت وگفت پایش درد می‌کند. پدر و مادرش پایش را بررسی‌کردند، اما متوجه چیزی نشدند و فکر کردند حشره‌ای، پای خالد را نیش زده باشد. بعد از مدتی، حال خالد بد شد و تب‌کرد. والدینش باز هم وضعیت‌اش را بررسی کردند، اما چیزی پیدا نکردند و بچه هم با توجه به سن‌کمی‌که داشت، نمی‌توانست توضیح دهد از چه مشکلی رنج می‌برد. شب‌که لباس خالد را از تنش خارج کردند، متوجه سیاهی وکبودی پشت پایش شدند. خانه من و پدر خالد نزدیک هم است و برای همین به خانه ما آمد وگفت حال خالد خوب نیست و ادرارش خونی است.»

به محض بالا آمدن آفتاب اسماعیل، خالد را سوار موتورکرد و به طرف مرکز درمانی حرکت کردند. خالد در بین راه استفراغ کرد و حالت خواب‌آلودگی داشت. بعد از رسیدن به بیمارستان خاتم‌الانبیاء در جاسک، خالد را به سرعت به بخش آی‌سی‌یو منتقل‌کردند. اسماعیل ادامه می‌دهد:« تا زمانی‌که به بخش مراقبت‌های ویژه برود، با ما حرف می‌زد. چند دقیقه بعد، از بخش آمدند وگفتند پدر این بچه‌کجاست؟ پدرش‌که آمد،گفتند به بخش برود خالد سراغ او را می‌گیرد و بی‌تابی می‌کند. پدرش‌که رفت، دو دقیقه بعد با چشمانی اشکبار آمد وگفت پسرم تمام کرد. اگر جاده مناسب داشتیم، اگر مرکز درمانی نزدیک‌مان بود و مجبور نبودیم تا جاسک برویم، حالا پدر خالد عزادار پسرش نبود.»

کمبودها بی‌داد می‌کند

پس از مرگ خالد، محمود حسین‌پور معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان روی خط خبر شبکه تلویزیونی استانی‌آمد و در مورد این حادثه‌گفت:« از سرم‌های ضد عقرب و مار باید در بیمارستان‌ها استفاده شود، اما به‌دلیل وجود شرایط خاص در استان‌ها، این سرم‌ها در اختیار مراکز بهداشتی و خانه‌های بهداشت قرار داده شده است، اما گاهی برخی بیماران یک تا دو روز پس از گزش به مراکز بهداشتی و خانه‌های بهداشت مراجعه کرده یا به‌دلیل وضعیت نامناسب جاده‌ها خود درمانی می‌کنند و همین دیر مراجعه‌کردن به بیمارستان باعث می‌شود تا نتوان کاری برای آنها انجام داد.»

علی بادروج، دهیار روستای پیشانی‌کنده هم روی خط خبری شبکه استانی آمد ونسبت به اظهارنظرهای او واکنش نشان داد. بادروج در گفت‌وگو با جام‌جم در مورد چالش پیش‌آمده بین او و معاون درمان دانشگاه در خصوص مرگ خالد می‌گوید:«معاون دانشگاه در مصاحبه تلویزیونی فقط دنبال توجیه‌کردن علت مرگ بود و می‌گفت علت، جمعیت بالا و پراکندگی آن است که در جواب گفتم دلیل‌اش، نبود پایگاه بهداشتی، نبود جاده مناسب و نبود خانه بهداشت است. معاون هم در جواب‌گفت اطلاعات غلط ندهید و منابع باید موثق باشد. پاسخ دادم، من دهیارم، منبع موثق‌تر از من می‌خواهید؟ معاون درمان این بار بحث شاخص‌ها را مطرح کرد که‌گفتم اگر منظور از شاخص مرگ و میر است که خیلی‌ها در خفا می‌میرند، اگر منظور از شاخص جمعیت است که با این وضع بهداشتی، شاخص‌ها رشد نمی‌کند. گناه‌کودکان ما چیست؟»

او ادامه می‌دهد:«الان ۱۲ روستا آنتن ندارند که مردم در مواقع حساس مثل اتفاقی‌که برای خالد افتاد، تماس بگیرند. ما سالانه فوت یک تا دو خانم باردار و کودک به هر علت به‌دلیل مشکلات اولیه داریم. در این منطقه یک خانه بهداشت یا پایگاه درمانی نیست که اقدامات اولیه را در مورد گزیدگی عقرب و مار انجام شود. ما در منطقه خودمان و روستای کنارمان، دو مورد عقرب‌گزیدگی داشتیم که یک موردش چند روز پیش فوت شد و مورد بعدی عقرب‌زدگی هم یک دختر بود که خوشبختانه به سرعت به بیمارستان اعزام شد. فاصله اولین پایگاه درمانی به‌نام «یکدار» با روستای پیشانی‌کنده ۴۰کیلومتر است. کسی که ۴۰ کیلومتر می‌رود تا به این پایگاه برسد، خب یک دفعه به شهر می‌رود که امکانات بیشتری دارد. اگر یک خانه بهداشت در منطقه احداث شود، بسیاری از مشکلات ما مرتفع می‌شود.»

در پایان درد و دل‌های بادروج، منصور شاهوزئی، دهیار روستای زهریکار بخش لیردف شهرستان جاسک هم سر درد دردلش باز می‌شود و با صدای آرامی از ما می‌خواهد مشکلات روستای او را هم بنویسیم:«راه‌ها صعب‌العبور است و هیچ امکاناتی ندارد. درسرکوه پزشک و پرستار و حتی بهورز نداریم. اگر کسی را مار و عقرب بزند یا از کوه بیفتد باید تا جاسک برویم که فوت می‌شود. یک خانه بهداشت دارد که درش همیشه قفل است و سال تا سال باز نمی‌شود. اینجا دخترها فرصت درس خواندن هم ندارند. تا ششم درس می‌خوانند و بعد به خاطر نبود وسیله رفت و آمد ترک تحصیل می‌کنند. به داد ما برسید.»

مادربزرگ و ۳ نوه‌اش، مرد برادرکش را بخشیدند

مرد ۳۸ ساله که به اتهام قتل برادرش در زندان کرج به‌سر می‌برد، پیش از محاکمه توانست از مادر و سه برادرزاده خود رضایت بگیرد و بخشیده شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه هیجدهم مهر سال گذشته دو برادر در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در حوالی یافت‌آباد تهران با یکدیگر درگیر شدند و یکی از آنها به قتل رسید. با دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران، تحقیقات ادامه یافت و مرد برادرکش که زخمی شده و در بیمارستان بود، بعد از بهبودی بازداشت شد. او به قتل برادرش اعتراف کرد و بعد از بازسازی صحنه قتل روانه زندانی در کرج شد.

با گذشت هفت ماه از این جنایت، دیروز متهم برای شرکت در آخرین جلسه بازپرسی به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد. این در حالی بود که برادر دیگرش برگه رضایتنامه مادر و سه فرزند مقتول را به دادسرا آورد و تحویل بازپرس داد.

متهم که از قصاص رهایی یافته بود، در تحقیقات گفت:«متاهلم و پنج فرزند دارم. در این هفت ماه دلم برای همسرم، پنج فرزندم و همین‌طور مادر داغدیده‌ام تنگ شده است. همسر برادرم مدتی بود که با مادرم برسر مسائل مختلف اختلاف و درگیری داشت. چند بار میانجیگری کردم که نشد و عروس‌مان مرا مقصر می‌دانست که از مادرم حمایت می‌کنم. همین باعث کینه او شد. عروس‌مان به قصد انتقام از من یک ماه قبل از درگیری عکس‌های خصوصی خود را در فیسبوک، کانال‌های تلگرامی و واتس‌اپ فامیلی، دوستان و آشنایان منتشر کرد و مدعی بود که من این کار را کرده‌ام تا آبرویش برود. برادرم قبول نمی‌کرد که عکس‌ها را من پخش نکرده‌ام، حتی گفته‌های شاهدم را هم قبول نکرد. او با قمه به محل کارم در ساختمان نیمه‌کاره آمد. با قمه مرا زخمی کرد و من هم با کارد آشپزخانه او را زخمی کردم که جان باخت. متهم با تجدید قرار قانونی به زندان بازگشت و قرار است به‌زودی از جنبه عمومی جرم، در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود.

قتل ناموسی در ساختمان نیمه‌کاره

مردی که با انگیزه ناموسی مرتکب قتل دوستش شده بود در آخرین دفاع مدعی شد از قتل پشیمان نیست.

به گزارش خبرنگار جام جم، پائیز سال گذشته درگیری مرگبار در ساختمان نیمه‌کاره‌ای به پلیس گزارش شد و ماموران با حضور در محل درگیری با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود. عامل جنایت هم در محل شناسایی و دستگیر شد. متهم به قتل برای تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد و در بازجویی‌ها گفت: من و مقتول بچه‌محل بودیم و در یک محله زندگی می‌کردیم. چند سال قبل برای کار از افغانستان به ایران آمده و در این ساختمان نیمه‌کاره مشغول کار شدیم. نصیر خیلی شوخی می‌کرد و امروز هم شروع به شوخی کرد. او مدعی بود وقتی در افغانستان بودیم به خواهر ۱۲ساله‌ام تجاوز کرده است. به او گفتم این حرف‌ها به شوخی هم خوب نیست اما او تاکید کرد که حرف‌هایش جدی است و به‌خاطر این‌که می‌خواسته به ایران بیاید به رابطه‌اش با خواهرم پایان داده است. با این حرف‌ها عصبانی شده و با چاقو به او ضربه زدم که جانش را از دست داد.

متهم به قتل سپس صحنه قتل را بازسازی کرد و در جریان آخرین دفاع خود گفت: مقتول قصد داشت زندگی خواهرم را به‌هم بریزد و تهدید می‌کرد اگر به افغانستان برگردد به خواهرم تجاوز می‌کند. این حرف‌هایش باعث شد تصمیم به قتلش بگیرم. سزای او مرگ بود و اگر زنده می‌ماند بازهم با چاقو او را می‌زدم و از قتل او پشیمان نیستم.

پس از تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و او به‌زودی پای میزمحاکمه قرار می‌گیرد.

۱۲۵ کارخانه تاژ در آتش سوخت

آتش‌سوزی گسترده درکارخانه تاژ، بدون تلفات مهار شد. در این حادثه دو سوله به طور کامل در آتش سوخت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، پیش از ظهر دیروز آتش‌سوزی در یکی از سوله‌های کارخانه تاژ در یک شهرک صنعتی در اطراف قزوین آغاز و بلافاصله دو سوله را شعله‌ور کرد. شعله‌های آتش و دود به آسمان زبانه می‌کشید و خبر از آتش‌سوزی گسترده‌ای می‌داد. موسی‌خانی، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری قزوین در تشریح عملیات مهار آتش گفت: مأموران آتش‌نشانی در شهرک قدیم لیا و شهر قزوین بلافاصله پس از دریافت پیام رویداد آتش‌سوزی به محل حادثه اعزام شدند و نیروهای پشتیبان از الوند، البرز، محمدیه و بوئین‌زهرا نیز در سریع‌ترین زمان ممکن به محل حادثه رسیدند.

وی گفت: در این عملیات ۲۱ ماشین آتش‌نشانی به همراه ۶۰ نیروی انسانی و نیز نیروهای اورژانس و هلال‌احمر برای کمک و خدمت‌رسانی در محل حاضر بودند و آتش در ساعت ۱۴و۱۰دقیقه به صورت کامل مهار شد.

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری قزوین افزود: خوشبختانه به محض وقوع حادثه تمامی نیروهای حاضر در شرکت از محل خارج شده‌اند و خوشبختانه این حادثه هیچ گونه تلفات جانی به همراه نداشته است. در این حادثه دو سوله از مجموعه شرکت تولیدی مواد شوینده تاژ دچار آتش‌سوزی و تخریب شده است.

موسی‌خانی یادآور شد: در این حادثه به علت وجود مواد شیمیایی و گدازه‌های اسیدی سه نفر از مأموران آتش‌نشانی طی عملیات به صورت سطحی دچار آسیب شده‌اند که در حال حاضر پس از رسیدگی، مشکل به صورت کامل رفع گردیده است.

جسد خانم دیپلمات راهی سوئیس شد

پیکر دبیر اول سفارت کشور سوئیس در تهران با هماهنگی قضایی، تحویل سفارت این کشور شد تا به زادگاهش منتقل شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، سیلوی، زن ۵۱ ساله و دبیر اول سفارت کشور سوئیس در تهران بود. سال‌ها بود از شوهرش جدا شده، پسر کوچکش فوت کرده و پسر دیگرش در سوئیس زندگی می‌کرد. او در طبقه هفدهم برجی ۲۰ طبقه در کامرانیه شمالی تهران زندگی می‌کرد. صبح چهاردهم اردیبهشت امسال جسد او در حالی که لباس خانه به تن داشت، در باغچه حیاط برج پیدا شد. بررسی‌های اولیه در این محل نشان می‌داد که مرگ او شب قبل رخ داده است. احتمال می‌رفت او خودکشی کرده باشد. این احتمال زمانی قوت گرفت که بازپرس جنایی دستنوشته این زن را در اتاق کارش کشف کرد که در آن نوشته شده بود بعد از مرگم، جسدم را سوزانده و کنار مزار پسرم دفن کنید، دارایی‌ام نیز به پسر دیگرم برسد.

محمد وهابی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران درباره آخرین وضعیت این پرونده به جام‌جم گفت: ماموران مدارک و دستنوشته‌های دیگری از خانه زن فوت‌شده یافتند که آن را در اختیار کارشناسان خط‌شناسی پلیس آگاهی قرار دادند.

کارشناسان در بررسی و تطبیق آنها با دستنوشته کشف‌شده از زن فوت‌شده، پی بردند دست‌خط‌ها یکی بوده است. این در حالی بود که زن فوت‌شده در بخشی دیگر از دستنوشته به‌جا مانده از خود، نوشته بود که بخشی اموال و دارایی‌اش به دخترخوانده‌اش برسد. بعد از بررسی‌های لازم در پزشکی قانونی، هماهنگی‌های قضایی انجام گرفت و پیکر این زن تحویل سفارت سوئیس در تهران شد تا جسد، تحویل خانواده‌اش شود.

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت اول

قوه قضاییه

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز در نظر دارد، خرید، نصب، راه‌اندازی و اجرا سیستم صوتی و تصویری اتاق کنفرانس و اتاق همایش ساختمان جدید اداره کل را برابر مشخصات اعلامی، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی و به‌صورت مناقصه یک‌مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۲۰۰۰۰۰۳۸۱۵۰۰۰۰۳ برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

● تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۹ می‌باشد. ● مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۷ عصر روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۲ ● مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ ● زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ ● اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکات الف: آدرس: کرج، میدان آزادگان، ابتدای خیابان مطهری، طبقه سوم، واحد فناوری اطلاعات ● تلفن: ۳۲۵۲۰۷۴۱ داخلی ۳۱۳

● اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۱۴ ۱۲۱ دفتر ثبت‌نام: ۳۳۹۹۹۸۱۸ و ۳۳۱۹۱۸۹۳

تلنگر

سقوط مرموز نگهبان در چاهک آسانسور

مرد میانسال وقتی به محل کارش در ساختمان نیمه‌کاره رفت به‌طور مشکوکی ناپدید و جسدش بعد از ۴۸ ساعت در چاهک آسانسور آنجا کشف شد. مالک ساختمان به‌عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۴ جمعه هفدهم اردیبهشت امسال یکی از ماموران کلانتری یوسف‌آباد به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد که جسد مردی ۵۰ساله در چاهک آسانسور ساختمان نیمه‌کاره پیدا شده است.

با حضور تیم جنایی مشخص شد ۴۸ساعت از مرگ او گذشته است. تلفن همراهش اطراف آسانسور افتاده بود. پسر مرد فوت شده در محل بود که به بازرس جنایی گفت: پدرم در ساختمان محل حادثه نگهبان بود. خانه‌مان را فروخته بود و ۱۰۰میلیون تومان از پول آن را به مالک همین ساختمان داد تا با آن سرمایه‌گذاری کند.

از عمویم شنیدم که پدرم با مالک ساختمان دچار اختلاف مالی شده بود. پدرم ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بامداد چهارشنبه پانزدهم اردیبهشت امسال اسنپ گرفت و به محل ساختمان در یوسف‌آباد رفت. بعد از آن هر چه زنگ زدم جواب نداد.

از مسؤولان اسنپ پیگیر شدیم که معلوم شد راننده پدرم را مقابل همان ساختمان پیاده کرده و حتی ورود او به ساختمان را هم دیده است. چند ساعت بعد مقابل ساختمان رفتم و با مالک آنجا حرف زدم که گفت پدرم را ندیده و اجازه نداد ساختمان را جست‌وجوکنم.

به کلانتری رفتم و ناپدید شدن پدرم را اطلاع دادم. بعد از دو روز، ظهر جمعه مالک ساختمان به من زنگ زد و خبر داد جسد پدرم را در چاهک آسانسور یافته است. مرگ پدرم مشکوک است و از مالک ساختمان شکایت‌داریم.

در ادامه مالک ساختمان بازداشت و دیروز به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: ۱۵سال است کارم بساز و بفروش بوده و حقوقم ماهی ۱۵میلیون است. دو سال قبل از طریق دوستم با مرد ۵۰ساله آشنا شدم و از آن موقع به این ساختمان آمد و نگهبان شد.

علاوه‌برآن ۱۰۰میلیون تومان هم برای سرمایه‌گذاری داد. همان روزی که او ناپدید شد من و پیمانکار دابرست‌ها قرار بود برای معامله ملکی به اطراف تهران برویم که نشد و به ساختمان بازگشتیم. پسر مرد گمشده حتی به مقابل ساختمان آمد که گفتم او را ندیده‌ام. روز جمعه به جست‌وجو در ساختمان پرداخته و جسد نگهبان را در چاله آسانسور پیدا کردم. با او اختلاف نداشتم و نمی‌دانم چطور سقوط کرده است.

حبیب ا... صادقی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تائید این خبر به جام‌جم گفت: قرار شد پزشکی قانونی اعلام نظر کند که او به قتل رسیده یا دچار حادثه مرگبار شده است. تحقیقات از تنها مظنون پرونده در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.